Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۹۵۷
سه‌شنبه / ۲۶ اسفند / ۱۴۰۴
۲۷ / رمضان / ۱۴۴۷
17 / March / 2026

صاحب امتیاز موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیر مسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶-دکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۱۸ امروز با حافظ

خود گرفتم کافکنم سجاده چون سوسن به دوش
همچو گل بر خرقه رنگ می مسلمانی بود
بی چراغ جام در خلوت نمی‌یارم نشست
زان که کنج اهل دل باید که نورانی بود

غزل

ای پس که نباشیم و جهان خواهد بود
تی نام زما و نه نشان خواهد بود
زین پیش نبودیم و نبد هیچ خلل
زین پس چو نباشیم همان خواهد بود

خیام

اقلیم کرج — اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۴۹	۰۶:۱۳	۱۲:۱۴	۱۸:۱۵	۱۸:۲۴

برگه

رؤیاهایت را به خاطر بسپار و برایشان بجنگ...

پائولو کوئلیو

گزارش روز

گزیده‌ای از یک پژوهش؛

بمب‌هایی که با هوش مصنوعی تولید و در رسانه‌ها منفجر می‌شود

پیوند فزاینده هوش مصنوعی، فناوری‌های رسانه‌ای و تاکتیک‌های جنگ ترکیبی، در تهاجم صهیونی-آمریکایی علیه ایران خود را در پمپاژ ویدئوهایی جعلی که میلیون‌ها بازدید پیدا می‌کنند نشان می‌دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، جنگی که اسرائیل و آمریکا علیه ملت ایران برافروخته‌اند، تبدیل به صحنه‌ای برای آزمودن آخرین فناوری‌ها در عرصه تبلیغات جنگ شده است.

در این زمینه، برخی رسانه‌های غربی گزارش‌های متعددی را با موضوع راستی‌آزمایی اخبار و محتواهای جعلی منتشر کرده‌اند.

به گزارش «بی‌بی‌سی» نمونه‌های متعددی از ویدئوهای تولیدشده با هوش مصنوعی و تصاویر ماهواره‌ای جعلی برای انتشار ادعاهای نادرست و گمراه‌کننده درباره این درگیری به کار رفته‌اند؛ محتوایی که در مجموع صدها میلیون بار در فضای آنلاین دیده شده است.

یک کارشناس رسانه‌های دیجیتال در دانشگاه فناوری کوینزلند، می‌گوید: «مقیاس این مساله واقعا تکان‌کننده است و این جنگ باعث شده دیگر نتوان آن را نادیده گرفت.»

همچنین، به گزارش «یوروتیوز فارسی» افزایش تنش‌ها میان ایران، اسرائیل و ایالات متحده موجی از ویدئوهای جنگی پربازدید را در اینترنت به راه انداخته است اما بسیاری از ویدیوهایی که میلیون‌ها بازدید کسب می‌کنند گمراه‌کننده هستند. به اشتباه زیرتوپس شده، از بازی‌های ویدئویی برداشته شده یا کاملا با هوش مصنوعی تولیدمی‌شوند.

همدستی هوش مصنوعی و رسانه در تبلیغات جنگ

توسعه هوش مصنوعی، ماهیت رسانه را از ابزار اطلاع‌رسانی صرف به میدان نبرد شناختی تغییر داده است. این تغییر به طور فزاینده‌ای موجب امحای مرز میان جنگ تظلمی و اطلاعاتی شده است.

این روزها که دومین جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه کشورمان در جریان است و بخش مهمی از این نبرد در عرصه شناختی صورت می‌گیرد، بحث و نظرهای زیادی در مورد نقش هوش مصنوعی در این جنگ به ویژه در عرصه ترم‌افزاری مطرح می‌شود.

به همین بهانه، بازخوانی مقاله «ماتریس رسانه، معماری نوین جنگ‌های ترکیبی بر پایه همگرایی رسانه و هوش مصنوعی» که در پاییز امسال در نشریه مطالعات فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی منتشر شد، خالی از فایده نیست.

«محمدطاها قائم‌پناه» و «جعفر حسین‌پور» در این مقاله با استفاده از مفهوم «ماتریس رسانه» به این پرسش پاسخ می‌دهند که هوش مصنوعی چگونه استراتژی‌های رسانه‌ای را در جنگ‌های نوین متحول ساخته و بر شکل دهی ادراک عمومی و فرایندهای تصمیم‌گیری راهبردی تأثیر می‌گذارد. این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب و بر پایه سنتز نظام‌مند یافته‌های پژوهش‌های پیشین با رویکرد توصیفی - تحلیلی، به بررسی و شناسایی تأثیرات متقابل فناوری‌های رسانه‌ای، هوش مصنوعی و تاکتیک‌های جنگ ترکیبی بر ادراک عمومی و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک می‌پردازد.

در این مقاله ابتدا با فراترکیب ۲۷ مقاله معتبر علمی داخلی و بین‌المللی در زمینه هوش مصنوعی، رسانه و جنگ ترکیبی تحلیل شد که چگونه الگوریتم‌های هوش مصنوعی به صورت خودکار قادر به تولید محتوای خبری و تحلیلی در مقیاس وسیع هستند. پس از آن شیوه استفاده از کلان داده‌ها و تحلیل رفتار کاربران برای انتشار پیام‌های هدفمند و شخصی‌سازی شده برای گروه‌های خاص مورد بررسی قرار گرفت و در پایان با اتکا به یافته‌ها، توضیح داده شده که رسانه چگونه از یک ابزار صرف به یک میدان نبرد برای دست کاری افکار عمومی و ادراک مخاطب تبدیل شده است.

هوش مصنوعی بازیگری تازه وارد به عرصه جنگ‌های ترکیبی

همگرایی فزاینده هوش مصنوعی، فناوری‌های رسانه‌ای و تاکتیک‌های جنگ ترکیبی، چشم‌انداز امنیت بین‌الملل را با چالش‌های پیچیده‌ای مواجه ساخته است. در دهه‌های اخیر پیشرفت‌های شگرف و سریع در فناوری‌های رسانه‌ای و هوش مصنوعی به طور بنیادین چشم‌انداز منازعات پیچیده و امنیت بین‌الملل را دگرگون ساخته است.

این تحولات عمیق و گسترده اطلاعات را از یک عامل پشتیبان فرعی به یک سلاح استراتژیک کلیدی در میدان نبرد مدرن ارتقا داده و مفهوم «جنگ ترکیبی چند بعدی» را به یکی از ارکان اصلی و حیاتی استراتژی‌های تظلمی معاصر تبدیل کرده است.

هوش مصنوعی با قابلیت‌های بی‌سابقه خود در پردازش کلان داده‌ها، تحلیل الگوهای رفتاری، پیش‌بینی روندها و خودکارسازی فرایندها، به عنصری محوری در استراتژی‌های تظلمی و اطلاعاتی مبدل شده است. این تحولات نه تنها ابزارها و روش‌های سنتی جنگ را دگرگون کرده‌اند، بلکه مفاهیم جدیدی مانند جنگ اطلاعاتی، جنگ ترکیبی و جنگ سایبری را به میدان آورده‌اند.

این پژوهش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی با خودکارسازی تولید و انتشار هدفمند اطلاعات، اجرای عملیات روانی در مقیاس وسیع و تحلیل کلان داده‌ها برای شناسایی آسیب پذیری‌های شناختی، جنگ اطلاعاتی را به رکن اصلی تاکتیک‌های ترکیبی مدرن تبدیل کرده است. این فناوری رسانه را از یک ابزار اطلاع‌رسانی صرف، به یک میدان نبرد شناختی تغییر ماهیت داده و مرز میان جنگ تظلمی و اطلاعاتی را به طور فزاینده‌ای محو می‌کند.

تعامل رسانه، هوش مصنوعی و جنگ ترکیبی

«ماتریس رسانه» به عنوان یک مدل مفهومی در این مقاله، تبیین کننده تعامل پیچیده میان رسانه‌ها، فناوری‌های هوش مصنوعی و استراتژی‌های تظلمی در چارچوب جنگ ترکیبی است که هدف آن تأثیرگذاری بر ادراک، باور و رفتار مخاطبان است. در نهایت این تعامل به بر ساخت میدان نبرد شناختی منتهی می‌شود که هدف اصلی در منازعات نوین است.

در این چارچوب، عملیات روانی به عنوان جزء حیاتی با انتشار تبلیغات، اطلاعات نادرست و دست‌کاری رسانه‌های اجتماعی، روایت‌ها را شکل می‌دهد، اعتماد عمومی را تضعیف و اهداف عملیاتی دشمنان را پیش می‌برد.

در حالی که رسانه‌های سنتی برای پخش تبلیغات و اطلاع‌رسانی گسترده به کار می‌روند و همچنان نقش مهمی در شکل دهی ادراکات اجتماعی دارند، رسانه‌های دیجیتال و پلتفرم‌های اجتماعی با سرعت دسترسی گسترده و قابلیت‌های الگوریتمی، امکان اجرای جنگ شناختی و هدایت پیام‌های هدفمند را فراهم می‌کنند.

هوش مصنوعی به عنوان مؤلفه محوری ماتریس رسانه عمل کرده و با تحلیل پیشرفته داده‌های شناسایی روندها و احساسات عمومی، تولید محتوای هدفمند و تسهیل عملیات تظلمی و رسانه‌ای، اثر بخشی جنگ اطلاعاتی را افزایش می‌دهد.

معماری جنگ ترکیبی تیز چارچوبی چندوجهی و سیال فراهم می آورد که عملیات تظلمی متعارف و تاکتیک‌های نامتقارن از جمله سایبری، تبلیغات و فشارهای اقتصادی را ادغام می کند و با ایجاد ابهام و بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌ها، امکان عمل زیر آستانه جنگ متعارف را برای بازیگران دولتی و غیردولتی فراهم می‌سازد.

این معماری با تمرکز بر عملیات چند حوزه و تاکتیک‌های نامتقارن، اثربخشی استراتژی‌های ترکیبی را افزایش داده و انعطاف‌پذیری و قاقالگیری را به عنوان عناصر کلیدی در درگیری‌های مدرن تقویت می‌کند. به این ترتیب ماتریس رسانه نشان می‌دهد که رسانه‌ها و هوش مصنوعی نه تنها ابزار اطلاع‌رسانی، بلکه عناصر فعال و مؤثر در اجرای عملیات شناختی و شکل‌دهی میدان نبرد معاصر هستند، جایی که مرز میان اطلاعات، روایت‌ها و دست‌کاری ادراک به طور عملی محو می‌شود.

مشارکت بازیگران غیر دولتی در جنگ ترکیبی، پاسخ‌های تظلمی سنتی را پیچیده می کند و مرز بین مبارزان و غیرتظلمیان را محو می کند.

این تاکتیک‌ها می‌تواند به طور مؤثر کشور هدف را بدون درگیری تظلمی متعارف بی ثبات کند. معماری جنگ ترکیبی نه‌تنها به دنبال دستیابی به اهداف تظلمی، بلکه دستکاری ادراکات و تأثیرگذاری بر چشم‌انداز اجتماعی سیاسی دشمنان است.

پیچیدگی‌های موجود در این معماری، پاسخ‌های تطبیقی را از کشورهایی که با این تهدیدات پیچیده روبرو هستند ضروری می‌سازد. شواهد میدانی از ایران نشان می‌دهد که الگوریتم‌ها و شبکه‌های بازتنثر می‌توانند به سرعت روایت‌های جعلی را تقویت کنند.

پیش‌بینی می‌شود ادغام هوش مصنوعی در عملیات تظلمی، بهبودهای قابل توجهی را در جنبه‌های مختلف جنگ از جمله نظارت، تدارکات و فرایندهای تصمیم‌گیری به ارمغان بیاورد با قابلیت‌هایی مانند تجزیه و تحلیل پیشرفته داده و آگاهی از موقعیت در زمان واقعی.

هوش مصنوعی می‌تواند کارایی عملیاتی را بهبوده کند و از اهداف استراتژیک در محیط‌های پیچیده پشتیبانی کند علاوه بر این، ظهور محاسبات کوانتومی ممکن است قدرت پردازش بی‌سابقه‌ای را فراهم کند و نقش هوش مصنوعی را در رمزنگاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها که برای بازیگران دولتی و غیردولتی در زمینه‌های جنگ ترکیبی حیاتی هستند افزایش دهد.

افزون بر این، تلفیق هوش مصنوعی با سیستم‌های خودمختار و یادگیری ماشین، امکان توسعه راهبردهای انطباق پذیر و واکنش سریع به تهدیدات غیرمنتظره را فراهم می‌سازد.

مدل‌های پیشرفته تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی نه‌تنها توانایی پیش‌بینی الگوهای رفتاری دشمن را افزایش می‌دهند، بلکه به فرماندهان تظلمی این امکان را می‌دهند که سناریوهای پیچیده را با دقت بیشتری شبیه‌سازی کرده و گزینه‌های بهینه را در زمان واقعی ارزیابی کنند.

در این میان همگرایی هوش مصنوعی و فناوری‌های توظهور مانند شبکه‌های عصبی مولد و تحلیل کلان داده‌ها، به طور قابل توجهی بر دقت عملیات اطلاعاتی و جنگ شناختی تأثیر خواهد گذاشت. به گونه‌ای که بازیگران تظلمی قادر خواهند بود تاکتیک‌های نفوذ اطلاعاتی را با دقت و کارایی بیشتری اجرا کنند.

جمع بندی

هوش مصنوعی با خودکارسازی تولید و انتشار هدفمند اطلاعات، تحلیل کلان داده‌ها برای شناسایی آسیب‌پذیری‌های شناختی و ادغام در عملیات روانی، رسانه را از ابزار اطلاع‌رسانی به میدان نبرد شناختی تبدیل کرده‌است. این تحول، مرز میان جنگ تظلمی و اطلاعاتی را محو می‌کند و جنگ اطلاعاتی را به رکن اصلی تاکتیک‌های ترکیبی مدرن ارتقا می‌دهد.

سنتز داده‌ها نشان می‌دهد که پیشرفت‌های هوش مصنوعی، استراتژی‌های رسانه‌ای را در جنگ‌های نوین متحول کرده و با تولید محتوای شخصی‌سازی شده و انتشار هدفمند اطلاعات نادرست، ادراک عمومی را دست کاری می‌کند. این امر تصمیم‌گیری‌های استراتژیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و میدان نبرد را به ساحت شناختی منتقل می‌سازد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که درک عمیق از این تعاملات برای مقابله با تهدیدات و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از این تحولات ضروری است.

این چارچوب تحلیلی روشن می‌سازد که همگرایی رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های هوش مصنوعی موجب انتقال کانون منازعات مدرن از سطح سخت‌افزاری به سطح شناختی شده است. در نتیجه رسانه دیگر صرفاً کارکرد انتقال پیام ندارد، بلکه به عرصه‌ای راهبردی برای بازتولید معانی، شکل‌دهی به ادراک جمعی و هدایت فرایندهای تصمیم‌سازی بدل می‌شود.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تنها از رهگذر تحلیل تلفیقی می‌توان لایه‌های پیچیده این منازعات را تبیین کرد. ماتریس رسانه به مثابه چارچوبی لایه‌مند عمل می کند؛ چارچوبی که در آن تعامل رسانه، الگوریتم و تاکتیک‌های جنگ ترکیبی به صورت هم افزا دیده می‌شود. این نگاه فراتر از رویکردهای تک‌بعدی است و می‌تواند به عنوان ابزار تحلیلی برای فهم منازعات پیچیده در عصر دیجیتال به کار گرفته شود.

راهبردهای پیشنهادی

با استناد به یافته‌های پژوهش که همگرایی هوش مصنوعی رسانه‌های دیجیتال و جنگ ترکیبی را در قالب چارچوب مفهومی ماتریس رسانه تبیین می کند و با توجه به چالش‌های اخلاقی و حقوقی شناسایی شده مانند خلأهای قانونی در کاربرد هوش مصنوعی و خطر تشدید مسابقه تسلیحاتی شناختی، می‌توان راهبردهایی همچون ارتقای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، ایجاد مراکز دفاع شناختی، سیاست‌گذاری ملی متسجم، تقویت همکاری‌های بین‌المللی و ... را برای کاهش تهدیدها و بهره‌گیری مسئولانه از فناوری‌ها ارائه داد.

اجرای این راهبردها می‌تواند ریسک‌ها و تهدیدهای شناختی اطلاعاتی تبیین شده در چارچوب ماتریس رسانه را کاهش داده و زمینه‌ساز استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی در راستای تقویت امنیت ملی و ثبات جهانی باشد.

منبع:
محمدطاها قائم‌پناه و جعفر حسین‌پور، «ماتریس رسانه، معماری نوین جنگ‌های ترکیبی بر پایه همگرایی رسانه و هوش مصنوعی»، نشریه مطالعات فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، شماره ۷، پاییز ۱۴۰۴

برش

اینجا همه چیز «مردمی» است!

ایران و ایرانی ثابت کرد، وقتی پای وطن درمیان باشد، زندگی همه‌مان وقف مردم می‌شود، همه‌چیز مردمی می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، حدود دو هفته از تجمع‌های شبانه مردم در خیابان‌های سراسر ایران می‌گذرد. هرکس که این شب‌ها حتی برای دقایقی با این سیل خروشان همراه شده باشد، حتما نکته‌ای مهم توجهش را به خود جلب کرده است. آن هم مردمی بودن و عاشقانه بودنِ همه چیز است.

در این خیابان‌ها که زیر پای مردم حماسه‌ساز ایران، این شب‌ها نوای «سمفونی آزادسازی خرمشهر» به خود گرفته‌اند، خبری از موکب‌ها و غرفه‌های رنگارنگ دستگاه‌های دولتی نیست یا نسبت به موارد مشابه بسیار کمتر شاهد فعالیت این مواکب هستیم. این شب‌ها مردم خودشان کار را دست گرفته‌اند و هرکس هرچه در توان داشته به میدان حماسه آورده است.

از میزهای خیلی معمولی که خانواده‌ها حدود ساعت ۲۰ هرشب با خودشان حمل می‌کنند تا بساط کتری و چای را آماده کنند تا دختربچه‌هایی که با لباس مدرسه و کوله‌پشتی صورتی، میان انبوه جمعیت یک جعبه خرما بدست گرفته و در کنار فرد دیگر که اسپند دود می‌کند با لبخند خودشان را در دل مردمی جا می‌کنند که با تماشای شکل و شمایل آن‌ها یاد دختران معصوم مدرسه شجره طیبه میناب می‌افتند.

این شب‌ها بانوان "با حجاب و کم حجاب" و آقایان "ریش‌دار و تتو دار" همه در کنار قدم می‌زنند و شانه‌به‌شانه هم فریاد غرور و وطن‌دوستی سر می‌دهند. در خیابان‌های عشق دیگر مردم از خیلی از مسائل که تا قبل از جنگ مطرح بود، عبور کرده‌اند و تنها با اسم رمز "ایران"، برای حفظ این خاک فریاد می‌زنند. به راستی با چه تشویق و امتیاز و به‌قول برخی‌ها کیک و ساندیسی می‌توان این جمعیت میلیونی را در سرما و برف به مدت ۱۴ شبانه روز در خیابان نگاه داشت؟ اصلا مگر هیچ مسئول و نهادی توان این کار را دارد؟ قطعا خیر. این مردم معادلات ابرقدرت‌های جهان با سال‌ها مطالعه و هزینه‌های سرسام‌آور را برهم زدند و در کنار هم نظم نوین جهانی را رقم می‌زنند.

مگر نیروهای مسلح بدون حضور این مردم در خیابان و دلگرمی گرفتن از آن‌ها توان جنگ دارند؟ مگر حرامی‌های صهیونیست به غیر از قالب تهی کردن مردم دل خوش کرده بودند؟!

اما چه شد؟ این مردم نه تنها از ناو و جنگنده و صدای انفجار حین راهپیمایی نترسیدند بلکه کودکان‌شان را با کالسکه و سالمندان‌شان را با عصا و ویلچر به تجمعات می‌آورند.

حقیقتا وقتی این شگفتی‌ها را هرشب می‌بینیم، از جوش و خروش مردم حاضر در خیابان تا برخی اصناف که علیرغم شرایط دشوار اقتصادی خود، پای کار کشور ایستاده‌اند و با نصب بنرهایی از تخفیفات قابل توجه بخاطر شرایط جنگ و اوضاع نابسامان مردم خبر می‌دهند یا حتی خانواده‌هایی که به هر دلیل در خیابان حاضر نشده‌اند اما به محض تماشای جمعیت به ترامس می‌آیند و همپا با لشکریان خیابان فریاد "هیهات من‌الذله" سر می‌دهند؛ با خودم فکر می‌کنم، ملتی که بسوی به میدان جنگ پرواز می‌کند و عاشق شهادت است، به یقین خداوند درب‌های شکست را به رویش بسته است. مدام به این موضوع فکر می‌کنم و مدام صدای امام شهید در سرم می‌پیچد.

سعید فغانی